

کارکردهای تقنینی مقاصد و مذاق شریعت اسلامی به مثابه اصول حکمرانی دینی در ساخت مسکن

محمد مهدی سعیدی^۱

علی سعیدی^۲

چکیده

مقاصد و مذاق شریعت اسلامی به عنوان ادله استنباط حکم فقهی، برآمده از اصول دینی هستند که اصول هدایت‌گر حکمرانی اسلامی را تشکیل می‌دهند. مقاصد و مذاق شریعت اسلامی، به عنوان راهنمایی برای تدوین و اجرای قوانین و سیاست‌های حکومت اسلامی در زمینه‌های مختلف، از جمله معماری و شهرسازی، عنصر بسیار مهمی از تمامیت نظام اسلامی محسوب می‌شوند. در این مقاله، کارکردهای تقنینی مقاصد و مذاق شریعت اسلامی به مثابه اصول حکمرانی دینی در ساخت مسکن مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این نوشتار، تبیین جایگاه مقاصد و مذاق شریعت در قانونگذاری ساخت مسکن و ارائه چارچوبی برای قانونگذاری و تدوین قوانین و مقررات مسکن مبتنی بر این اصول است. این مقاله نشان می‌دهد که مقاصد شریعت می‌توانند در قانونگذاری در حوزه مسکن نقش مهمی ایفا کنند. این پژوهش، بر روی چهار حوزه اصلی تمرکز دارد: مفهوم‌شناسی مقاصد و مذاق شریعت، مقاصد شریعت در ساخت و ساز، حکم اولیه و ثانویه مسکن‌سازی، قانونگذاری مبتنی بر مقاصد شریعت در مسکن‌سازی. پژوهش پیش‌رو، در ابتدا مفهوم‌شناسی مقاصد و مذاق شریعت و قانونگذاری در ساخت و ساز مسکن ارائه می‌دهد. سپس، برخی از مقاصد شریعت در ساخت و ساز ذکر شده است. در ادامه، حکم اولیه مسکن‌سازی و مقاصد شریعت و حکم متغیر و ثانویه ساخت و ساز مسکن مورد بحث قرار گرفته است و در نهایت، بررسی قانونگذاری مبتنی بر مذاق و مقاصد شریعت اسلامی در مسکن‌سازی ارائه شده است. پژوهش پیش‌رو نشان می‌دهد که قانونگذاری مبتنی بر مقاصد شریعت می‌تواند منجر به تأمین نیازهای اساسی مردم، ایجاد عدالت و توازن، تضمین ایمنی و امنیت، و حفظ محیط زیست شود.

واژگان کلیدی: مقاصد شریعت، مذاق شریعت، قانونگذاری، حکمرانی دینی، مسکن، ساخت و ساز، شهرسازی

۱. دانش آموخته سطح ۴ حوزه و دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

saidi.mahdi.moham@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه پیام نور قم، قم ایران، ali_saeedi56@yahoo.com

مقدمه

چارچوب حقوق اسلامی، توجه به مقاصد شریعت و مذاق شارع از جمله ادله احکام اسلامی، نقش بسیار مهمی در تنظیم‌گری امور انسانی دارد و در همه زمینه‌ها، از جمله ساخت و ساز، اعمال می‌شود. در حوزه ساخت و ساز نیز، مقاصد شریعت و مذاق شارع، تعیین‌کننده راهنمایی‌ها و ضوابطی هست که به معماران، سازندگان و سایرین، در مراحل و فرایند ساخت و ساز کمک می‌کند.

مقاصد شریعت در ساخت و ساز نیز از جنبه‌های مختلف بررسی می‌شود. یکی از این جنبه‌ها حفظ زندگی و امنیت افراد است. به عنوان مثال، ساختمان‌ها باید مقاومت کافی در برابر زلزله، آتش سوزی و سایر خطرات را داشته باشند. همچنین، استفاده از مواد ساختمانی و تکنولوژی‌هایی که به امنیت و سلامت افراد آسیب نمی‌رسانند، در این حوزه بسیار حائز اهمیت است.

علاوه بر حفظ زندگی و امنیت، مقاصد شریعت در ساخت و ساز شامل استفاده از طرح‌ها و مواد ساختمانی مشروع نیز می‌شوند. این به معنای رعایت استانداردهای اسلامی در انتخاب طرح‌ها و استفاده از مواد ساختمانی است که با ارزش‌های دینی و اخلاقی مطابقت داشته باشند. به طور مثال، استفاده از موادی که باعث آلودگی زیست محیطی می‌شوند یا در طول زمان آسیب می‌رسانند، توسط مقاصد شریعت توجیه نمی‌شود.

در مقاصد شریعت در ساخت و ساز، حفظ منابع طبیعی و محیط زیست نیز جایگاه مهمی دارد. این شامل استفاده بهینه از منابع طبیعی، محافظت از منابع آب، کاهش آلودگی هوا و طراحی ساختمان‌ها به گونه‌ای است که به حفظ محیط زیست کمک کند. به عنوان مثال، استفاده از سیستم‌های تأمین انرژی نیروگاهی خورشیدی و بادی، به منظور کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی و حفظ منابع انرژی، توسط مقاصد شریعت توصیه می‌شود.

مقاصد و مذاق شریعت در ساخت و ساز همچنین شامل احترام به حریم شخصی است. ساختمان‌ها باید فضاهایی فراهم کنند که حریم شخصی افراد را حفظ کند و حقوق شخصی را در امان نگه دارد. این شامل طراحی فضاهایی می‌شود که احترام به حریم

شخصی افراد را تضمین کند، مانند دسترسی به حمام‌های مناسب، فضاهای خصوصی و محل‌های اجتماعی متناسب.

در نهایت، مقاصد شریعت در ساخت و ساز به منظور توسعه پایدار نیز در نظر گرفته می‌شوند. ساختمان‌ها باید طوری طراحی و ساخته شوند که نیازهای جامعه را برآورده کنند و به نفع نسل‌های آینده باشند. این شامل استفاده از روش‌های ساخت پایدار، مدیریت مصرف انرژی، بهره‌وری منابع و تأمین نیازهای جاری و آینده جامعه است.

در کل، مقاصد شریعت در ساخت و ساز به منظور حفظ زندگی و امنیت، رعایت ارزش‌های دینی و اخلاقی، حفظ منابع طبیعی و محیط زیست، احترام به حریم شخصی و توسعه پایدار تعیین می‌شوند. این مقاصد به منظور بهبود کیفیت زندگی افراد و تأمین خیر و رفاه اجتماعی در معماری اسلامی در نظر گرفته می‌شوند.

در معماری و شهرسازی اسلامی، مقاصد و مذاق شریعت اسلامی به عنوان اصول حکمرانی دینی، تأکید می‌کنند که محیط‌های شهری و معماری باید به گونه‌ای طراحی شوند که از تأمین اصول دینی، اخلاقی و اجتماعی حمایت کنند. مقاصد و مذاق شریعت اسلامی تعیین کننده ضوابطی است که به معماران، سازندگان و سایرین، در مراحل و فرایند ساخت و ساز کمک می‌کند. بنابراین، اصول معماری و شهرسازی اسلامی نه تنها به تنظیم فیزیکی و زیبایی منظر اهمیت می‌دهد، بلکه به آموزه‌ها و ارزش‌های دینی نیز توجه دارد. یکی از مقاصد شریعت اسلامی در معماری و شهرسازی، حفظ حیا و پرهیز از اسراف در طراحی و ساخت ساختمان‌ها و شهرها است. این به معنای استفاده از منابع طبیعی به نحوی پایدار و مطلوب، و نیز اجتناب از طراحی‌های معماری مفرط و پرتنوع، و ترتیب محیط‌هایی که از منظر اسلامی به معنویت و اخلاق اسلامی اهمیت داده می‌شود. همچنین مقاصد شریعت در ساخت و ساز شامل استفاده از طرح‌ها و مواد ساختمانی مشروع نیز می‌شود یعنی رعایت استانداردهای اسلامی در انتخاب طرح‌ها و استفاده از مواد ساختمانی که با ارزش‌های دینی و اخلاقی مطابقت داشته باشد. در مقاصد شریعت در ساخت و ساز، حفظ منابع طبیعی و محیط زیست نیز جایگاه مهمی دارد که

شامل استفاده بهینه از منابع طبیعی، محافظت از منابع آب، کاهش آلودگی هوا و طراحی ساختمان‌ها به گونه‌ای است که به حفظ محیط زیست کمک کند. همچنین، معماری و شهرسازی اسلامی باید به ایجاد اجتماعات مشتمل بر انسجام و اتحاد مردمی اسلامی کمک کند. این به معنای ایجاد فضاهای اجتماعی و فرهنگی متنوع و مناسب است که افراد مختلف از انواع اجتماعی و فرهنگی می‌توانند در آنها با هم تعامل کنند و به توسعه جوامع اسلامی کمک کنند، در پایان، معماری و شهرسازی اسلامی به عنوان اصول حکمرانی دینی، باید به نحوی تبیین شوند که از تأمین مقاصد شریعت اسلامی و تعالی اجتماعی در جامعه‌های اسلامی حمایت کنند. این به معنای تعامل مستدام میان علوم معماری و اصول دینی، با هدف ایجاد محیط‌های معماری و شهری مناسب برای جامعه‌های اسلامی است. مقاله پیش‌رو ضمن تشریح ماهیت نظریه مقاصد شریعت اسلامی به مثابه اصول حکمرانی دینی، به تبیین کارکردهای گوناگون مقاصد شریعت اسلامی در ساخت و ساز مسکن پرداخته است.

در سال‌های اخیر، مقالات متعددی در مورد قانونگذاری مسکن منتشر شده است. این مقالات، به بررسی مسائل مختلف قانونگذاری مسکن، از جمله حقوق مالکیت، مقررات ساخت و ساز، و سیاست‌های مسکن، پرداخته‌اند. با این حال، در این مقالات، به نقش مقاصد شریعت در قانونگذاری مسکن، کمتر توجه شده است. این در حالی است که مقاصد شریعت، اصولی بنیادین برای قانونگذاری در همه زمینه‌ها، از جمله مسکن، هستند.

در سال‌های اخیر، مقالات متعددی در مورد قانونگذاری مسکن منتشر شده است. این مقالات، به بررسی مسائل مختلف قانونگذاری مسکن، از جمله حقوق مالکیت، مقررات ساخت و ساز، و سیاست‌های مسکن، پرداخته‌اند. با این حال، در این مقالات، به نقش مقاصد شریعت در قانونگذاری مسکن، کمتر توجه شده است. این در حالی است که مقاصد شریعت، اصولی بنیادین برای قانونگذاری در همه زمینه‌ها، از جمله مسکن، هستند.

این مقاله، با بررسی کارکردهای تقنینی مقاصد و مذاق شریعت اسلامی در ساخت مسکن، می‌تواند به تکمیل تحقیقات پیشین در این زمینه کمک کند. این مقاله، نشان

می‌دهد که مقاصد شریعت می‌توانند در قانونگذاری مسکن نقش مهمی ایفا کنند و منجر به تأمین نیازهای اساسی مردم، ایجاد عدالت و توازن، تضمین ایمنی و امنیت، و حفظ محیط زیست شوند.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. شهرسازی اسلامی

شهرسازی اسلامی مشتمل بر مبانی نظری و تئوریهای مربوط به اصول و ارزشهایی (به انضمام روش طراحی و برنامه ریزی و اجرایی متکی بر آنها) است که باید بر محیط زندگی مسلمین و بر روابط انسان با محیط طبیعی و مصنوع و با سایر هموعان خویش (جامعه) حاکم باشند. این اصول و ارزشها از تعالیم اسلامی استخراج خواهند شد و در بردارنده ی عوامل مهم فرهنگی ملی و غیر متضاد با اصول هستند. (نقی زاده، ۱۳۹۰: ص ۷۶) لذا اگر تمام اصول و ارزشهای شهرسازی بر پایه استنباط فقیه باشد، آنگاه شهر سازان متخصص و متعهد، شهر را بر اساس همان الگوهای اسلامی بنا نهند، شهرسازی اسلامی خواهد بود و اگر احتیاجات حقوقی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان را بر اساس اصول و ارزشهای مستنبطه از فقه پایه ریزی نمایند، شهر اسلامی خواهیم داشت.

مذاق شریعت

در جایی که دلیل خاص و عام اجتهادی در مسئله وجود نداشته باشد، می‌توان به مذاق شریعت استناد کرد. اما دیدگاه نگارنده این نوشتار در تعریف مذاق شریعت با دیدگاه علمای اهل سنت (المیساوی، بی‌تا: ص ۴۹) و برخی از فقهای امامیه متفاوت است. (مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۷۱۵) به باور نویسنده مقاله، مفهوم مذاق شارع، یک اصطیاد عرفی از مجموع ادله نقلی در یک موضوع خاص است، یعنی استظهاری از ادله که شاید در تک تک دلیل‌های نقلی، بیان نشده باشد، اما اگر مجموع ادله، به صورت مجموع مورد مذاقه و مشاهده قرار گیرد، عرف خاص و عام به چنین ظهوری اقرار و اعتراف خواهد کرد. بنابراین مذاق شریعت، به دست آوردن قیاس اولویت (اصفهانی،

۱۴۰۳: ص ۳۸۶، تنقیح مناط (حکیم، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۳۰۱)، مقاصد الشریعه (علی دوست، ۱۳۸۸: ص ۶۹)، یا استحسانات علوم تجربی نیست، بلکه به نوعی تجمیع ظنون زاییده از متن و ظهور لفظی است و جدای از آن نیست؛ لذا حجیت آن بازگشت به حجیت ظواهر دارد که امری عرفی و مستند به سیره عقلا است. (صدر، ۱۴۳۰: ج ۲، ص ۱۸۰) در واقع فقیه، از مجموع روایات اطمینان پیدا می‌کند که شارع، یک گزاره را مد نظر دارد و اراده تشریعی او به آن تعلق گرفته است. این گزاره آن چنان واضح است که اگر برای عرف خاص و عام بیان شود، بدون شک صحت آن را تصدیق می‌کنند و اگر شارع، این فهم عرفی را قبول نداشت و راضی به آن نبود، می‌بایست آن را تخطئه می‌کرد اما چنین تخطئه و ردعی از سوی شارع وجود ندارد و با عدم ردع شارع، حجیت آن گزاره ثابت می‌شود. همان‌گونه که دلالت اقتضا و تنبیه، اصطیاد از ادله خاص است (مظفر، ۱۴۳۰: ج ۱، ص ۱۲۰-۱۲۵)

۲-۱. مقاصد شریعت

اندیشمندان اهل سنت پیش از متفکران شیعه و بیش از آنها به بحث از مقاصد شریعت پرداخته‌اند اگرچه در میان آثار پیشینیان از اهل سنت تعریفی از مقاصد شریعت وجود ندارد اما واژگانی برابر با آن را به کار برده‌اند، مانند مصلحت، حکمت، غرض، غایت، هدف، اسرار، معانی و مراد. معاصران اهل سنت بیش از گذشتگان به واکاوی مفهوم مقاصد شریعت پرداخته‌اند. برخی، مقاصد را به دو قسم عمومی و خصوصی دسته‌بندی نموده و مقاصد عمومی را معناها و حکمت‌هایی که شارع در قانون‌گذاری‌های خود لحاظ کرده و وابسته به دسته‌ای خاص از احکام نیست، توصیف نموده‌اند. (ابن عاشور، ۱۴۲۵: ج ۳، ص ۱۶۵) به دیگر سخن، مقاصد شرعی خاص، حکمت‌ها و کیفیت‌های مقصود شارع است که برای حفظ و تحقق مصالح عمومی در رفتارهای خاص و خصوصی، توسط شارع در نظر گرفته شده است. (همان، ج ۳، ص ۴۰۲) در تعریفی دیگر گفته شده است: «مقاصد شریعت، غایت و اسراری است که شارع به هنگام وضع هر حکمی از احکامش، در نظر داشته است». (فاسی، ۱۹۹۳: ص ۷)

همچنین محقق دیگر در تعریف مقاصد شریعت می‌نویسد: «مقاصد شریعت همان غایاتی است که شریعت برای تحقق آنها در جهت مصلحت مردم، وضع کرده است.» (ریسونی، ۱۴۱۶: ص ۱۹) بنابر این تعاریف، مقاصد شریعت عبارت از اهداف، غایات، حکمتها و اسراری است که در جعل احکام گنجانده شده است.

برخی، علل احکام را به پنج طبقه، دسته بندی می نمایند: ۱. امور وابسته به ضرورتها مانند قصاص؛ ۲. امور در پیوند با نیازمندی‌های عمومی که به حد ضرورت نمی رسد مانند عقد اجاره؛ ۳. اموری که ضروری و نیازمندی نیست بلکه نوعی آراستگی به خوبی‌ها و پیراستگی از کمبودها است مانند طهارات؛ ۴. اموری که تشویق به انجام آنها شده است و در حد قسم سوم نیست. ۵. قسمی که نمی‌توان برای آن تعلیل درستی جویا شد هر چند، تعلیلهایی کلی را پذیرا است مانند عبادات. (همان، ج ۲، ص ۷۹-۸۰) غزالی، تشریع‌های احکام توسط شارع را برای پاسداری از مقاصد می داند مثلاً قصاص برای پاسداری از جانها، حرمت شراب برای پاسبانی از عقل، تحریم زنا برای پاسداشت ناموس، حکم به قطع دست در سرقت و ضمانت، برای نگاهبانی از مالها و حکم به کشتن بدعت گذار برای پاسداری از دین قرار داده شده است. (غزالی، ۱۳۹۰: ص ۱۵۹-۱۶۰)

فخر رازی نیز، از فقیهان معتقد به تعلیل پذیری احکام است و برای احکام، غرضهای و مقاصدی را باور دارد که باید تأمین کننده آن غرضها باشد. او تا آن جا بر غرض داشتن احکام پای می‌فشارد که مباح را هم دارای عرض می‌داند و باور دارد در انجام مباح، نفعی محقق می‌شود که آن را از گردونه افعال بیهوده بیرون می‌برد. (فخر الدین رازی، ۱۴۱۸: ج ۳، ص ۲۴۶)

شاطبی از فقیهان قرن هشتم است که نه تنها سهم بسزایی در دانش مقاصد شریعت دارد بلکه، می‌توان او را از نوآوران مقاصد شریعت به شیوه‌ی جدید و نو دانست. او توانست میراث گذشتگان را به خوبی در کتاب خود «الموافقات» گردآوری کند و طرحی از مقاصد شریعت به وجود بیاورد که فقیهان پیش از او به آن، نپرداخته بودند. شاطبی در کتاب خود، بخشی مستقل را به مقاصد اختصاص می‌دهد و نخستین گام او این است که

به مقاصد نخستین شارع در وضع شریعت، می‌پردازد. او پیش فرضی کلامی را بیان می‌کند، مبنی بر اینکه، شرایع برای مصلحت بندگان - چه در دنیا و چه در آخرت - وضع شده‌اند و این را می‌توان از راه استقرای در شریعت به دست آورد و از سوی دیگر مقاصد را به دو قسم تقسیم می‌کند: مقاصد شارع و مقاصد بندگان (شاطبی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۷-۸) او مقاصد ضروری را پنج قسم می‌داند که عبارتند از: پاسداری از دین، جان، نسل، مال و عقل (همان، ج ۱، ص ۳۱).

۳-۱. انواع مقاصد شریعت

متفکران اهل سنت از دیرباز به دسته بندی مقاصد دست زده‌اند، به گونه‌ای که برای مقاصد شریعت اقسامی را بیان کرده‌اند. به مرور بر این دسته بندی‌ها افزوده شده است و مقاصد را از جهات گوناگونی دسته بندی کرده‌اند. برای آشنایی با مقاصد شریعت و جدایی آنها از یکدیگر، پرداختن به بحث اقسام مقاصد ضروری به نظر می‌رسد.

مقاصد از جهت قوت ثبوت، به سه قسم دسته بندی می‌شوند:

۱. مقاصد قطعی: مقاصدی هستند که درباره آنها نصوص فراوانی در شرع وجود دارد و برای انسان یقین به دست می‌آید که خواسته این نصوص جز مقصد شرعی، نیست. برای نمونه می‌توان مقصد تسهیل را از زمره مقاصد یقینی به شمار آورد؛ زیرا مقصدی است که از ادله یقینی مانند قرآن به دست می‌آید و آن هم به گونه فراوان از آن یاد شده است.^۱
۲. مقاصد ظنی: مقاصدی هستند که برای انسان یقینی آور نیستند.
۳. مقاصد وهمی: مقاصدی که خیال انسان آنها را صلاح و خیر می‌شمارد و در حقیقت این گونه نیستند، مانند کسب مال از راه قمار که انسان می‌پندارد برای او مصلحت دارد.

۱. آیاتی مانند: (يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ)، (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا)، (يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ) و (وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ).

مقاصد از جهت قوت در مصلحت نیز به سه قسم تقسیم می‌شوند: الف: مقاصد ضروری ب: مقاصد حاجی ج: مقاصد تحسینی.^۱ مشهور فقهای اهل سنت از این تقسیم پیروی کرده‌اند اما برخی از محققین معاصر بر این باوراند که تعداد مقاصد؛ پنجگانه بوده و عبارت است از ضروری، حاجی، منفعتی، زینتی و فضولی، در میان مقاصد پنج گانه مقاصد دیگری قرار می‌گیرد که پایین‌تر از مقاصد ضروری و بالاتر از مقاصد تحسینی محسوب می‌شوند. (جمال الدین عطیة، ۱۴۲۴: ص ۵۴-۵۵)

مقاصد از جهت دایره شمول و فراگیری احکام شریعت، به سه قسم دسته بندی می‌شوند:

۱. مقاصد کلی: مقاصدی هستند که سایه آنها بر سرتاسر احکام اسلامی گسترده شده است به گونه‌ای که هیچ یک از احکام نیست، مگر اینکه این مقصد را دارا است، مانند مقصد تسهیل و نفی حرج، حفظ نظام امت.

۲. مقاصد نوعی: مقاصدی هستند که نوعی از احکام در آن مقصد با هم مشترک می‌باشند و مجموعه آن احکام را می‌توان تأمین کننده آن مقصد دانست. این را بیشتر می‌توان در ابواب فقهی پذیرفت؛ زیرا این ابواب فقهی هستند که می‌توان همه احکام آنها را تأمین کننده یک مصلحت دانست. برای نمونه، احکامی که در بحث معاملات وارد شده‌اند، تأمین کننده حفظ و نگهداری از اموال مؤمنان می‌باشند و یا مجموعه احکام قضاء احقاق حق مظلومان و برآورده کردن دادخواهی آنان را بر عهده دارند.

۱. شاطبی ضروریات را این گونه تفسیر نموده مصالحی که تحقق اغراض دین و دنیا در گرو آن‌ها است، به گونه‌ای که اگر مورد غفلت واقع شوند، نظام هستی از دایره اعتدال خارج گردیده و ابتلای به فساد پیدا می‌کند و در معترض نابودی قرار می‌گیرد. و در سرای عقبی نیز بهشت و رستگاری، دست نیافتنی خواهند بود. و حاجیات، به مصالحی گفته می‌شود که در صورت بی‌توجهی به آن‌ها، عموم مکلفین در تنگنا و فشار قرار می‌گیرند، البته نه به میزانی که فساد به وجود آید. و تحسینات، عبارت است از التزام به عادات و رویه‌های پسندیده و نیکو و پرهیز از رفتارها و عملکردهایی که مورد انزجار و نفرت عقل است. (شاطبی، ابراهیم بن موسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۳۱)

۳. مقاصد جزئی: مقاصدی هستند که از هر کدام از احکام به گونه جداگانه سرچشمه می‌گیرند؛ یعنی تنها مخصوص به حکمی است که آن حکم، به خاطر آن مقصد جعل شده است مانند وضو که مقصد آن طهارت و پاکیزگی است و حرمت میگزاری که مقصد آن، ریشه کن کردن اسباب فساد و دشمنی است. (نجار، ۲۰۰۸: ص ۴۰-۴۲)

۴-۱. عدم انحصار مقاصد شریعت

مبتکر مقاصد پنج گانه (حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال) غزالی است (غزالی، ۱۴۱۳: ص ۱۷۴) و شاید نخستین کسی که مقاصد را در این پنج عدد خلاصه و محصور کرد، آمدی باشد. او باور داشت مقصدی ضروری، بیرون از این پنج مقصد وجود ندارد. (آمدی، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۳۰۰)

دانشمندان بعدی این حصر مقاصد را برنرفته و دست به تقسیم بندیهای جدیدی زدند. ابن فرحون مقاصد را به پنج دسته تقسیم می‌کند، این مقاصد عبارتند از: ۱. آنچه برای شکستن نفس تشریع شده است. ۲. مصالحی که برای بقای انسان وضع شده‌اند. ۳. مصالحی که برای برطرف کردن ضرورتها قرارداد شده است. ۴. آنچه برای دستیابی به مکارم اخلاق وضع شده است. ۵. آنچه برای سیاست و بازداشت اشخاص جعل شده است، که خود به شش دسته تقسیم می‌شوند یک: برای نگاهبانی از وجود انسان، مانند قصاص دو: برای پاسداری از نسبه‌ها، مانند حد زنا سه: برای پاسداری از آبروها، مانند حد قذف چهار: برای نگاهبانی از مالها، مانند حد سرقت پنج: برای پاسداری و حفظ عقل، مانند حد خمر. شش: آنچه به عنوان بازدارندگی و تعزیر وضع شده است. (ابن فرحون، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۱۳۸)

برخی از محققین معاصر، مقاصد شریعت را در چهار قسمت دسته بندی کرده است: زمینه فرد، خانواده، امت اسلامی و انسانیت. مقاصد در پیوند با فرد: حفظ نفس، عقل، دین داری، آبرو و مال. مقاصد وابسته به خانواده: پیوند بین دو جنس، پاسداری از نسل، ایجاد آرامش و مودت و رحمت، پاسداری از نسب، پاسداری دیانت اهل خانواده، مدیریت خانواده، تنظیم امور مالی. مقاصد وابسته به امت اسلامی: مدیریت امت، برقراری

امنیت، برپا داشتن عدالت، پاسداری از دین و اخلاق، همیاری و همکاری، گسترش دانش و پاسداری از عقلانیت امت، آبادانی و حراست از سرمایه‌های عمومی. مقاصد پیوست با انسانیت: شناخت و همیاری و تکامل، تحقق جانشینی عمومی انسانها، عدالت جهانی، حمایت دولتها از حقوق انسان و نشر اسلام. (جمال الدین عطیة، ۱۴۲۴: ص ۱۳۹-۱۷۰)

باید توجه داشت که تقسیم بندی‌هایی که در مرور زمان برای مقاصد پدید آمده است، تقسیم بندی‌های دقیق عقلی نیست که نشود به آن افزود و یا از آن کاست، بلکه این تقسیم بندی‌ها بیشتر برای روشن شدن مقاصد بیان شده است تا دید افراد نسبت به مقاصد، گسترش یافته و به فهم آنها کمک شایانی کند.

۲. مقاصد و مذاق شریعت و قانونگذاری در ساخت و ساز مسکن

مقاصد شریعت در ساخت و ساز مسکن به عنوان یک مفهوم در حقوق اسلامی و فقه اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد. این مقاصد بر اساس اصول و ضوابط اسلامی و نظریه حقوق اسلامی تعیین می‌شوند و به منظور رسیدن به خیر و رفاه اجتماعی و رعایت اصول دینی در فرایند ساخت و ساز مطرح می‌شوند. در ادامه، به برخی از مقاصد شریعت در ساخت و ساز مسکن می‌پردازیم:

۱. حفظ زندگی و امنیت: یکی از مقاصد شریعت در ساخت و ساز، حفظ زندگی و امنیت افراد است. این شامل ایجاد ساختمان‌هایی است که مقاومت کافی در برابر زلزله، آتش سوزی و سایر خطرات را دارند. همچنین، احداث سیستم‌های ایمنی و بهداشتی مناسب نیز جزء این هدف محسوب می‌شود.

۲. استفاده از طرح‌ها و مواد ساختمانی مشروع: مقاصد شریعت در ساخت و ساز شامل استفاده از طرح‌ها و مواد ساختمانی مشروع است. این به معنای رعایت استانداردهای اسلامی در انتخاب طرح‌ها و استفاده از مواد ساختمانی است که با ارزش‌های دینی و اخلاقی مطابقت داشته باشند.

۳. حفظ منابع طبیعی و محیط زیست: مقاصد شریعت در ساخت و ساز شامل حفظ منابع طبیعی و محیط زیست است. این شامل استفاده بهینه از منابع طبیعی، محافظت از

منابع آب، کاهش آلودگی هوا و طراحی ساختمان‌ها به گونه‌ای است که به حفظ محیط زیست کمک کند.

۴. احترام به حریم شخصی: مقاصد شریعت در ساخت و ساز شامل احترام به حریم شخصی است. این به معنای ایجاد فضاهایی است که حریم شخصی افراد را حفظ کند و حقوق شخصی را در امان بدارد.

۵. توسعه پایدار: یکی از مقاصد شریعت در ساخت و ساز، توسعه پایدار است. این به معنای طراحی و ساخت ساختمان‌ها به گونه‌ای است که نیازهای جاری جامعه را برآورده کند و به نفع نسل‌های آینده باشد.

در پاسخ به این سوال که مقاصد شریعت چه ارتباطی با و فقه ساخت و ساز مسکن دارد؟ باید به این نکته توجه داشت که ساخت و ساز باید در جهت تحقق مصالح شرعی و دفع مفاسد باشد که می‌توان آن را اینگونه توضیح داد که بنا و مسکن می‌تواند داخل در مقاصد سه گانه کلی شرعی یعنی ضروریات، حاجیات و تحسینیات قرار بگیرد. به عنوان نمونه مسکن ضروری برای انسان آن است که او را از سرما و گرما حفظ کند حتی اگر غاری در کوه باشد و مسکنی که داخل در حاجیات است آن است که سکونت در آن به سهولت و آسانی انجام گیرد مانند اینکه دارای در و پنجره باشد که رفت و آمد در آن به سهولت انجام گیرد و مسکنی که داخل در تحسینیات است آن مسکنی است که در آن وسایل آسایش و راحتی به وفور یافت شود و و یا دارای تزئینات و نمای زیبا باشد. (خلاف، ۱۴۲۳: ص ۲۳۱)

۱-۲. حکم اولیه مسکن سازی و مقاصد شریعت

حکم اولیه و ابتدایی بنا و ساخت و ساز اباحه است که در فقه شیعه مبتنی بر قاعده سلطنت (سلطنت مالک بر ملک خویش) است که از قواعد مشهور فقهی است و مستند حدیث منسوب به رسول اکرم: «الناس مسلطون علی أموالهم» (طوسی، ۱۴۰۷ الف: ج ۳، ص ۱۷۶) است و مفاد آن جواز و صحت هر نوع تصرف مالک در مال خود- به فروختن، بخشیدن، ساخت و ساز و تخریب- است. این اصل در پاره‌ای موارد به سبب وجود

موانعی، یا کاربرد ندارد و یا کاربرد آن محدود است. منشأ و خواستگاه این موانع ممکن است یکی از جهات زیر باشد: وضع خاص مالک، خصوصیات مال مورد تصرف یا آثار ناروای تصرف مانند آتش افروختن در ملک خود هنگام وزیدن باد تند که موجب سرایت آن به ملک دیگری می‌گردد جایز نیست و ضمان‌آور است.

بنابراین اصل و با توجه به محدوده و موانع آن، تا زمانی که عمل ساخت و ساز توسط مالک موجب ضرر و زیان به شخص دیگری نباشد آن ساخت و ساز مباح و جایز است. اما نهی وارد در حدیث مروی توسط جابر بن عبدالله از رسول خدا که فرمود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ شَرِّ أَنْ خَضَرَ لَهُ فِي اللَّيْلِ وَالطَّيْنِ حَتَّى يَبْنِيَ» (طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۹، ص ۱۴۵، حدیث: ۹۳۶۹) اگر خدا برای کسی شر و بدی بخواهد برکت و رزق او را در گل و آجر قرار می‌دهد که ساخت و ساز کند. این روایت بر فرض صحت آن دارای معنای دیگری است همچنانکه حدیث شناسان اهل سنت آن را حمل کرده‌اند بر اینکه این سخن پیامبر برای هنگامی است که بنا و ساخت و ساز برای تفاخر باشد یا باعث دل مشغولی و غفلت از انجام طاعات و واجبات باشد و یا ساخت و ساز بیش از حد حاجت و نیاز باشد. (مناوی، ۱۳۵۶ق: ج ۱، ص ۲۶۴)

در فقه اهل سنت حکم اولی اباحه در ساخت و ساز مبتنی بر حریت و آزادی است که یکی از مقاصد شریعت است. بنابراین هر مالکی آزاد و مجاز است که هر تصرفی که می‌خواهد در ملک خود انجام دهد به شرط آن که به خودش یا به شخص دیگر ضرر و زیان نرساند. زیرا که اضرار به خود و به غیر نوعی تجاوز بر ضد حریت و آزادگی است و نوعی ظلم است. (طه، ۲۰۱۷: ص ۱۱۲)

قواعد فقهیه مانند «الاصل فی الاشیاء الاباحه» (الزرقاء، ۱۴۰۹: ص ۴۸۱) و «الاصل فی المنافع الاباحه» (سبکی، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۶۵) و «کُلُّ مَا عَلَى الْأَرْضِ حَلَالٌ مَبَاحٌ وَلَا يَحْرُمُ إِلَّا بِنَصٍّ صَرِيحٍ أَوْ نَظَرٍ رَجِيحٍ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ فَهُوَ رِيحٌ» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۳۹) بر حکم اولیه جواز و اباحه در ساخت و ساز در فقه اهل سنت دلالت دارد.

۲-۲. حکم متغیر و ثانویه ساخت و ساز

ساخت و ساز از آن جهت که می‌تواند تحت عناوین مختلف و گوناگونی قرار گیرد ممکن است احکام پنجگانه تکلیف نیز بر آن منطبق شود و به اعتبار هر عنوان، حکم منطبق بر این موضوع تغییر می‌کند بنابراین حکم ابتدایی و اولیه در ساخت و ساز می‌تواند با تغییر شرایط متغیر باشد پس ساخت و ساز می‌تواند تحت هر یک از عناوین وجوب، حرمت، اباحه، استحباب و کراهت قرار گیرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۶: ج ۸، ص ۲۰۷)

ساخت و ساز واجب: آن بنایی است که مصلحتی ضروری متوقف بر آن باشد و در آن ساخت و ساز، مصلحتی ضروری برای فرد یا جامعه وجود داشته باشد. به عنوان نمونه مصلحت‌های مشهور حفظ و تزکیه دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال که به آنها ضرورت‌های پنجگانه شریعت می‌گویند؛ ساخت و ساز واجب می‌تواند تحت این عناوین ضروری قرار گیرد. مثلاً ساخت مسجد به ضرورت حفظ دین است و ساخت مسکن شخصی به ضرورت حفظ نفس، ساخت مدارس و دانشگاه‌ها به ضرورت حفظ عقل، ساخت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی به ضرورت حفظ نسل، و ساخت بانک و موسسات مالی به ضرورت حفظ مال است. (عزب، ۲۰۱۳: ص ۴۴)

نمونه دیگری که می‌توان ذکر کرد ساخت پاسگاه‌ها و زندان‌ها برای حفظ امنیت جامعه است؛ امنیت یکی از مقاصد قطعی شارع است که از آیه شریفه: (الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ) (قریش/۴) استفاده می‌شود و مفاد این روایت از رسول خدا است: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرِّهِ مُعَافًى فِي جَسَدِهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَكَأَنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا» (ترمذی، ۱۴۱۹: ج ۴، ص ۳۰۳ و ابن بابویه، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۱۶۱) هرکس بدنش سالم و جان‌ش در امان و خوراک روزانه‌اش را داشته باشد مانند آن است که تمام دنیا را دارد. آیات متعددی دلالت بر اهمیت امنیت در شهر دارد مانند این آیه شریفه: (وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ) (نحل/۱۱۲)، قرآن به شهر مکه به عنوان شهری امن قسم یاد می‌کند: (وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) (تین/۳) و امیرالمؤمنین می‌فرماید: «شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا خَصْبَ». (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۲۹۴)

ساخت و ساز حرام: هر بنا و ساخت و سازی که موجب اضرار به غیر یا خود شخص شود و یا به قصد اضرار و زیان رسانی ساخته شود و یا به قصد انجام افعال غیر مجاز شرعی ساخته شود، ساخت آن بنا حرام و غیر مجاز است؛ مانند ساختمان سازی در زمین فرد دیگر بدون اذن او، یا در خیابان‌هایی با رفت و آمد عمومی و ساختمان‌هایی که در آنها کارهای حرام انجام می‌شود مانند مشروبخانه‌ها و خانه‌های فحشا و ساخت بنایی که موجب مسدود شدن راه هوا یا نورگیری خانه همسایه می‌شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۶: ج ۸، ص ۲۰۷)

ساخت و ساز در زمین‌های عامّ المنفعه مانند خیابان‌ها و جاده‌ها از این جهت حرام است که در آن مصلحت فردی بر مصلحت اجتماعی مقدم شده و باعث از بین رفتن مصلحت جامعه و اضرار به جامعه می‌شود و بر طبق قاعده: «درء المفسد مقدم علی جلب المصلح» (سیوطی، ۱۴۱۱: ص ۸۷) اینگونه ساخت و سازها که باعث آسیب رساندن به جامعه می‌شود حرام و غیر مجاز است.

ساخت و ساز شایسته یا مستحب: هر ساخت و سازی که در جهت تحقق مصالح عامه مردم و به خصوص مسلمانان باشد مطلوب و شایسته است مانند ساخت مراکز بهداشت و کتابخانه‌ها و ورزشگاه‌ها و ترمینال‌ها و بازارها و دیگر اماکنی که برطرف کننده نیازهای ثانویه عموم مردم است. اما اگر این اماکن در جهت تحقق مصالح ضروری یک جامعه باشد بنای آن بر طبق قاعده: «ما لا یتّم الواجب إلا به فهو واجب» (زرکشی، ۱۴۲۱: ج ۱، ص ۱۷۹) واجب و لازم است.

بنا و ساخت و ساز مکروه: هر بنایی که در جهت حاجت و نیاز انسان نیست بلکه برای تزیین نابجا و آراستگی غیر لازم بنا شده است که در این موارد، تزیین ساختمان، اسراف و هدر دادن مال است و نیز اتلاف وقت و سعی و تلاش بیهوده و نوعی تجمل پرستی است.

حکمت کراهت در زیاده‌خواهی و تزیین غیر لازم و بیش از حد ساختمان؛ تشویق و ترغیب مردم به میانه روی و تواضع و مساوات اجتماعی است چرا که تزیین بیش از

حد ساختمان نشانه تفاخر و غرور و دنیا پرستی است که با مساوات اجتماعی و عدم اختلاف طبقاتی اجتماعی که یکی از مقاصد شارع است، در تضاد است. (طه، ۲۰۱۷: ص ۱۱۶) کراهت تزیین و طلاکاری و نقاشی در ساختمان مساجد شدیدتر است چرا که این کار در تضاد با حکمت و فلسفه وجودی مساجد که عبودیت و خضوع در برابر پروردگار است، می باشد. (جندی، ۱۴۱۶: ص ۲۴ و زرکشی، ۱۳۸۵: ص ۳۴۰ و بهوتی، ۱۴۰۲: ج ۲، ص ۳۶۶)

۳. قانونگذاری مبتنی بر مذاق و مقاصد شریعت اسلامی در مسکن سازی

قانونگذاری مبتنی بر مذاق و مقاصد شریعت اسلامی یک رویکرد منطبق با اصول اخلاقی و اسلامی به شهرسازی است که هدف آن تحقق اهداف و مقاصد اسلامی در زمینه فضاهای شهری است. در این رویکرد، قانونگذاری به منظور ایجاد شهرها و فضاهای شهری مناسب بر اساس اصول اخلاقی و اهداف شریعت اسلامی انجام می شود. یکی از مفاهیم اساسی در این قانونگذاری، مفهوم «مذاق» است که به توجه به اصول اخلاقی و دینی در طراحی و ساختار شهرها اشاره دارد. این مفهوم متکی بر اراده خالق و اهداف اسلامی است که شهرسازی را به عنوان یک عامل مؤثر در شکل گیری جوامع اسلامی مطرح می کند. قانونگذاری مبتنی بر مذاق و مقاصد شریعت اسلامی تاکید دارد که شهرها باید مکان هایی باشند که ارتباطات اجتماعی اسلامی ترویج یابد و اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اسلامی محقق شوند. همچنین، این قانونگذاری به حفظ محیط زیست، ترویج عدالت اجتماعی و ایجاد فضاهایی برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی توجه دارد. با اعتنای به اصول مذاق و مقاصد شریعت اسلامی در قانونگذاری شهرسازی، می توان محیط های شهری را به گونه ای شکل داد که با ارزش ها و اهداف دینی هماهنگ باشند و به توسعه پایدار و انسجام اجتماعی کمک کنند.

۱-۳. ضرورت ساخت مسکن

ساخت و داشت مسکن شخصی به ضرورت حفظ نفس، حفظ مال و حفظ خانواده و حفظ آبرو است که از مقاصد شریعت اسلامی هستند. حق مسکن و داشتن سرپناه برای

آحاد جامعه اسلامی، حقی اساسی است که در اصل ۳۱ و ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با صراحت به آن اشاره شده است و حکومت اسلامی موظف است بر اساس آموزه های اسلامی و اصول حکمرانی اسلامی، این نیاز اساسی مردم را، تأمین نماید. بر این اساس، داشتن سرپناه و ممنوعیت سلب مسکن از افراد، امری است مورد تأکید مؤکد شارع مقدس اسلامی که در روایات معصومین علیهم السلام بدان اشاره شده است. در اسلام، عظیم ترین گناهان، خوردن به ناحق و تجاوز به مال یک مسلمان است و هیچ عبادتی بالاتر از ادای حق مؤمن نیست (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۴، ص ۲۴۲) اما در روایتی صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است که راوی گفت: خانه مردی که از او طلب دارم، نزد من به رهن و گرو گذاشته شده است و می خواهم آن را بفروشم، فرمود: از این که او را از سایبانش خارج کنی، تو را به خدا پناه می دهم. (کلینی، ۱۴۰۷: ص ۲۳۷ و برای دیگر احادیث مشابه بنگرید به: عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۸، ص ۳۳۹) بنابراین ضرورت داشتن مسکن بر مصلحت ادای دین، اولویت دارد. در فقه اسلامی، مسکن مورد نیاز محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی از جمله مستثنیات دین است. (امام خمینی، بی تا: ج ۲، ص ۶۳۳) همچنین در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مطابق ماده ۲۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی، مسکن از جمله مستثنیات دین است. اما متأسفانه بر خلاف نهی صریح امام معصوم از فروش خانه در رهن بدهی و بر خلاف نص صریح فقه و در تضاد با قانون اساسی، روال معمول در بانک های جمهوری اسلامی ایران به این شکل است که در صورت تعویق پرداخت اقساط بانکی توسط وام گیرنده، ملک و خانه مسکونی در رهن بانک، مصادره و به فروش گذاشته می شود. یعنی زمانی که فردی وامی دریافت کند و سند ملک و خانه مسکونی را به عنوان وثیقه قرار دهد؛ اگر به شکل متوالی قسط های او عقب بیفتد، بانک می تواند برای دریافت بدهی خود ملک مذکور را مصادره کرده و در مزایده پس از فروش، به اندازه میزان بدهی از روی مبلغ ملک فروخته شده، بردارد. حکومت اسلامی بر اساس پیشینه فقهی و قانونی پیش گفته، موظف است با ارائه راهکاری تقنینی، جلوی این

امر خلاف آشکار با شرع مقدس را بگیرد و قانون بانکداری را اصلاح نماید به این شکل که بانک ها از مصادره و فروش خانه های مسکونی وام گیرندگان منع شده و خانه های مسکونی مصادره شده به مالکان ایشان بازگردد.

۲-۳. توازن و عدالت در طراحی^۱، برنامه ریزی^۲ و ریخت شهری^۳

حقیقت و کنه مفهوم مهندسی، محاسبه صحیح و درست است و آنچه از یک مهندس مطلوب، انتظار می رود، درست و صحیح محاسبه کردن است تا بتواند هر چیزی را در جای خویش قرار دهد (عاملی، ۱۴۳۰: ص ۱۸) و این، همان معنای عدل است که امام امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: **الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا** (نهج البلاغه/ حکمت ۴۳۷) شاید بتوان محاسبه درست را در روشن ترین حالات آن، در این سخن خداوند نیز دید که فرمود: **«الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ»** (انفطار/ ۶ و ۷) همان کسی که تو را آفرید و اندام تو را متوازن ساخت و آنگاه تو را سامان بخشید.» یکی از موارد تدبیر او این است که انسان را با همه اجزای مورد نیازش خلق کرد و سپس بین آن ها توازن و تعادل برقرار کرد، به طوری که می بینیم هیچ عضوی از اعضای او از معادلش قوی تر و سنگین تر نیست. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۰، ص ۲۷۰) بنابراین محاسبه درست و مهندسی همان است که با آفریدن اندام به همراه رعایت توازن میان اعضا در اجزای گوناگون بدان اشاره شده است و باید این حالت توازن را در محقق ساختن هدفی که از آن به سامان بخشیدن اعتدال و راست قامتی تعبیر شده است به کاربرد. بنابراین شخصی که طراحی شهری می نماید در وهله اول باید شخصیتی متوازن و عادل داشته باشد تا بتواند طرحی متوازن ارائه دهد و در اجرای آن طرح متوازن، بتواند مبتنی بر عدالت، عمل نماید. بر همین اساس رسول خدا شخصاً کار نقشه کشی مدینه و مسجد مدینه را بر عهده گرفت و نخستین مسجد را بنیان نهاد و مسجد را برای شهر مدینه، مرکز کانونی در شمار آورد. پیامبر اکرم، مسجد مدینه را جایگاه استقرار رهبری و حکومت و محل تصمیم گیری قرار داد. آن حضرت نیز منزلگاه هایی را میان صحابه توزیع نمود و زمین هایی را به آنها داده بود تا در آن خانه هایشان را بنا نهند

1. Urban Design.
2. Urban Planning.
3. Urban Morphology.

(کتانی، ۲۰۱۴: ص ۴۰) و هر قبیله را در منزلگاه خویش تثبیت نمود که به این موضوع در سند مدینه اشاره شده است. (ابن هشام، ۱۴۲۴: ج ۲، ص ۵۰-۱۴۷) پیامبر گرامی خود شخصا نقشه جایگاه خانه های مدینه را برای مردم کشیدند. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۱۹۲؛ ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۷۰) پیامبر جایگاه موسسه ها و اماکن عمومی و خانه ها را در مدینه گزینش نمود و جایگاه شماری از مساجد را نیز معین نمودند که گفته اند مسجد در محله های گوناگون بوده است و افزون بر این، مصلاهی عید، محل بازار و جاهای دیگر نیز از سوی پیامبر گزینش شده است. سیره رسول خدا در طرح ریزی شهری اینگونه بود که ابتدا نشانه هایی در محل های مشخص قرار می دادند و کارگران با تکیه و مبتنی بر این نشانه ها عملیات عمرانی را پیش می بردند. پیامبر گرامی محراب را به وسیله فروبردن تکه چوبی در جایگاه آن مشخص می کردند. (کتانی، ۲۰۱۴: ج ۲، ص ۷۶۰ و ۱۶۳) همچنین پیامبر نقشه های بازارهای مدینه را طراحی نمود. (ابن حجر، ۱۴۱۵: ج ۱۲، ص ۳۲ و ۲۱۱) این موضوع نشان می دهد که طراحی و ریخت شهری را، شخص اول حکومت اسلامی یعنی پیامبر گرامی اسلام به دلیل اهمیت و اولویت آن، شخصا عهده دار شده اند. متأسفانه روال امروزی این است که طرح های جامع شهری^۱، مبنی بر اصل توزان و عدالت و دیگر اصول اسلامی، طراحی نمی شوند و حتی در اجرای طرح های مذکور، برخی منفعت طلبی های سازمانی و شخصی، باعث ایجاد بی عدالتی ها و وضعیتی نامتعادل در ریخت شهری شده است که این معضل، تدوین و پیشنهاد قانونی جامع مبتنی بر اصول اسلامی در خصوص طراحی، برنامه ریزی و ریخت شهری در طرح های جامع شهری و هادی روستایی را می طلبد.

۳-۳. نظارت و مدیریت عملیات^۲ مسکن سازی

در ادبیات اسلامی چندین ناظر بر کارهای انسان معرفی شده است که همه از کار او آگاهند. این ناظران عبارت اند از خداوند، فرشتگان، زمین و زمان، اعضای بدن، پیامبر اکرم الله و امامان معصوم این رو یکی از سنت های ثابت الهی، نظارت کامل، دقیق و مداوم بر اعمال و رفتار و نیت انسان ها و ارزیابی آنها است. امیر المومنین در بسیاری از

1. Comprehensive Planning.
2. Project Management.

نامه های خویش خطاب به فرمانداران در به کارگیری ناظران تاکید نموده است (نهیج البلاغه، نامه ۴۰) و خود حضرت در مواقعی ناظرانی بر کارگزاران میگماردند و شیوه نظارتی که به آن فرمان می دادند، شیوه ای غیر مستقیم و غیر علنی و مخفی بود (نهیج البلاغه، نامه ۵۳). این موارد دلالت بر اهمیت نظارت در حکمرانی اسلامی به طور عام دارد اما در سیره رسول اکرم در ماجرای ساخت مسجد النبی، می توان نکات مهم و مفیدی در رابطه با مدیریت و نظارت بر پروژه های عمرانی برداشت کرد. زمینی که ناقه رسول خدا در آن فرود آمد، محل نگهداری و انبار محصولات کشاورزی و خرما بود که برای دو برادر نوجوان انصاری به نام های سهل و سهیل بود. رسول خدا آن زمین را با ده دینار از آن دو خرید. چند درخت نخل و نوعی درخت بزرگ به نام عَرَقَد و چند قبر از دوران جاهلیت در آن زمین وجود داشت، رسول خدا دستور داد تا قبرها منتقل شوند و بعضی از درختان قطع شود به غیر نخل ها که حضرت بعد از ساخت مسجد به آن نخل ها تکیه داده و خطبه می خواندند و مقداری آب در آن زمین جمع شده بود که آن را جمع آوری کردند. طرح و نقشه مسجد به شکل مربع و هر ضلع به طول ۵۰ متر بود. ضلع شمالی مسجد (دیوار قبله) را به سمت بیت المقدس قرار دادند. و شروع به عملیات ساخت کرده؛ که این پروژه عمرانی به مدت ۹ ماه به طول انجامید. (ابن رجب حنبلی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۴۰۸) انتخاب زمین، آماده سازی مکان که امروزه در دانش طراحی شهری به آن «مکان سازی»^۱ گفته می شود، تهیه مواد و مصالح ساختمانی و برنامه زمانبندی شده برای جلوگیری از اتلاف وقت؛ از نکاتی است که باید در شیوه عملکرد و سیره رسول خدا در این پروژه عمرانی به آنها توجه داشت. (عزب، ۱۴۱۸: ص ۴۳)

۳-۴. استحکام و مقاوم سازی مسکن

قرآن کریم در چند آیه، تمهیدات خداوند در مستحکم سازی زمین را بیان نموده است (نحل/۱۱۵؛ لقمان/۱۰ و نبا/۷)، این آیات بیانگر این است که خداوند قادر مطلق، توجه ویژه ای به استحکام و آرامش زمین داشته است. همچنین در سرگذشت ذوالقرنین کسی توسط

خداوند صاحب قدرت شده، قرآن کریم نحوه ساخت دژ و سدی مستحکم در برابر یأجوج و مأجوج را تبیین می نماید که شاخص ترین ویژگی آن استحکام و مقاومت آن است (کهف/ ۸۳-۱۰۱) به گونه ای که در پایان کار آن دژ، ذو القرنین گفت: هنگامی که وعده پروردگارم (قیامت) فرارسید، آن را در هم می کوبد. (کهف/ ۹۸) بنابراین محکم کاری را می توان در کار ذو القرنین مشاهده نمود به گونه ای که دژی ساخت که تا آستانه قیامت پابرجاست. بنابراین استحکام بنا از مفاهیم بنیادین در موفقیت ساخت و ساز و طراحی مسکن است. استحکام پی ساختمان^۱ - که وظیفه انتقال نیرو از ستونها و دیوارها به زمین و خاک را به عهده دارد- از نکات مهمی است که می توان در سیره رسول خدا به آن توجه کرد. رسول اکرم در هنگام ساخت مسجد، پی دیوارها را یک و نیم متر قرار دادند، تا بر استحکام ساختمان مسجد بیافزایند. (منصور بن عبد العزیز الجدید، ۱۴۱۹: ص ۹۵)

همچنین قوت و قدرت خاک محل ساختمان رابطه مستقیم با مقاومت سازه و ایستایی^۲ آن سازه دارد. قرآن کریم می فرماید: (أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ) (توبه/ ۱۰۹) «آیا کسی که بنیان خود را بر پروا از خداوند و خشنودی (او) نهاده بهتر است یا آنکه بنیان خود را بر لب پرتگاهی در حال ریزش گذارده است که او را به درون آتش دوزخ فرو می لغزانند؟». کلمه «جُرْف» اشاره به لبه پرتگاه یا گذرگاه سیل دارد که ساخت و طراحی بنا در اینگونه مکان ها - هرچند خاک و زمین قوی داشته باشد - در علم معماری خطا و اشتباه محسوب می شود. (عزالدین صدیق، ۲۰۰۰: ص ۶۲)

در آیه: (فَاتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ): «آنگاه خداوند بنیان آنان را از پایه برکند و بام از فراز سرشان بر آنها فرود آمد» (نحل/ ۲۶) «قواعد» به معنای پی و پایه ساختمان است که در این آیه به خوبی به پایه ساختمان و نقش آنها در مقاومت و

1. Foundation.
2. Statics.

ایستایی سازه و همچنین به عدم توازن^۱ پایه‌ها که منجر به برهم خوردن «تعادل استاتیکی»^۲ و فرو ریختن^۳ سازه اشاره شده است. امروزه استفاده از مصالح نامرغوب و کم گذاشتن در مصالح و عدم رعایت اصول مهندسی از معضلات ساختمان سازی است که گاهی اوقات منجر به فاجعه های مرگبار شده است؛ در صورتی که در آموزه های اسلامی بر استحکام ساختمان تأکید شده است. در روایتی امام صادق فرمود: «مَنْ بَنَى فَاَقْتَصَدَ فِي بِنَائِهِ لَمْ يُؤْجَرْ»، هر که ساختمانی بسازد و از آن کم گزارد اجری ندارد (برقی، ۱۳۷۱ق: ج ۲، ص ۶۰۸) اقتصاد و صرفه جویی در مصالح منجر به عدم استحکام ساختمان می شود.

در سیره پیامبر اکرم که آمده است که ایشان کار خویش را به دست صاحبان مهارت، کارشناسان و کسانی می دادند که در کارهای مورد نظر چیره دست بودند و دست کسانی را که در آن کار مهارت یا خبرگی کمتری داشتند، از انجام دادن آن کوتاه می نمود. رسول خدا الله فردی از قبیله بنی حنیفه را دید که نیکو گیل کناری می کند. پس فرمود «آن حنفی را فراخوانید و گل آورید که او نیکوترین گل کار شماس» (کتانی، ۲۰۱۴: ج ۲، ص ۸۳). حضرت به جهت چیره دستی و مهارت او، کار را به ایشان سپردند بدین معنا که او میتواند به خوبی مقادیر و موارد مورد استفاده خود را مشخص کند و میان مقدار آب و دیگر موارد توازن برقرار نماید و آنها را به نیکویی در هم آمیزد.

بر اساس آیات و روایات، حاکم اسلامی و کارگزاران آن باید به آرامش ساکنان شهر توجه داشته باشند. برای تحقق این امر، انتخاب شهرسازان متخصص و متعهد، امری ضروری است. متخصصان باید از دانش و مهارت خود در راستای اهداف الهی استفاده کنند. ساخت و سازها و پروژه های عمرانی و غیرعمرانی باید به افرادی سپرده شود که تجربه و مهارت لازم را دارند. امنیت در حوزه شهرسازی با توجه به اصول مهندسی در ساخت و ساز، تأمین می شود. مهندسان باید در انتخاب زمین، خاک و مصالح، دقت کافی

-
1. Imbalancing.
 2. Static equilibrium.
 3. Collapse.

داشته باشند. در صورتی که مهندسی بدون توجه به اصول ساختمانی، اقدام به ساخت و ساز کند، مهندسان ناظر و دست‌اندرکاران امر باید مجوز تخریب آن را صادر کنند. همچنین، باید از ساخت و ساز بر روی گسل‌ها جلوگیری شود. برای حفظ ایمنی و استحکام بنا، نباید به خاطر ارزان‌سازی، از نکات ایمنی کاسته شود. این امر نیازمند همراهی مالکین نیز هست. قوه مقننه نیز باید قوانین محکمی برای ساخت و سازهای مسکن وضع کند و راه برون‌رفت از قانون را بر سوداطلبان، بساز و بفروشها و مهندسان غیرمتعهد ببندد.

۳-۵. مواد و مصالح ساختمانی^۱

مصالح ساختمانی رابطه مستقیم با هزینه‌های اقتصادی، زیست محیطی، انرژی‌های مصرفی و هزینه‌های مرتبط با سلامتی ساکنان دارند. از منظر فقه اسلامی انسان حق دارد در ساخت بنا و ساختمان خود تلاش کند و یا در اصلاح و نوسازی و تقویت استحکام آن بکوشد و حق دارد کیفیت و نوع مواد و مصالح ساختمانی خود را انتخاب کند؛ اما باید ضوابطی در خصوص بکارگیری مصالح رعایت شود:

۱. حق استفاده از مواد غصبی که در مالکیت غیر است را ندارد. رسول خدا میفرماید: «اتَّقُوا الْحَرَامَ فِي الْبُنْيَانِ، فَإِنَّهُ أَسَاسُ الْخَرَابِ» (بیهقی، ۱۴۲۳: ج ۱۳، ص ۲۲۹) و در صورت ساخت و ساز با مصالح غصبی بعد از اتمام کار، حق تصرف و نماز خواندن در آن را ندارد. مگر آنکه رضایت مالک مصالح کسب شود.

۲. در فقه امامیه استفاده از مصالح متنجس در ساختمان جایز است و با تطهیر ظاهر آن می‌توان در آن مکان نماز گزارد، اما استفاده از مصالح نجس در ساخت مساجد را حرام دانسته‌اند؛ چون از مصادیق «تنجیس مسجد» است که مجاز نیست. (یزدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۸۷) برخی از محققین معاصر اهل سنت یکی از ضوابط ساخت را؛ با استناد به آیه: (وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ) (مدثر/۴) طهارت مصالح ساختمانی دانسته‌اند و با این تعلیل که استفاده از مصالح پاک منطبق بر تحسینات (مصالح کمالیه) در مقاصد شریعت است. (احمد سعد، ۲۰۰۴: ص ۲۳؛ سیتی، ۲۰۱۵: ص ۲۱۱) همچنین استفاده از مصالح نجس در ساختمان

1. Building Materials.

مسجد بنابر فقه مذاهب اربعه به غیر از شافعیه که آن را مکروه می‌دانند جایز نیست. (عبد الستار محمد، ۱۴۱۹: ص ۱۵۲)

۳. منطبق بر حدیث «لاضرر» کیفیت و نوع مصالح باید به گونه‌ای باشد که به همسایه‌ها و ساکنین خانه آسیب و زیان نرساند، و باید تأمین کننده راحتی، امنیت و آرامش ساکنین باشد. (احمد سعد، ۲۰۰۴: ص ۲۴)

۴. در کاربست مصالح نباید افراط و زیاده‌روی کرد که منجر به اسراف شود.
۵. با توجه به اختلاف نیازهای مردم در نوع و کیفیت ساختمان؛ هر فرد همساز با شرایط و شأن و مصلحت خود و خانواده و محیط محل خانه از مصالح مناسب استفاده کند.
۶. در استفاده از مصالح نباید تفریط و کم کاری شود؛ زیرا به کارگیری مصالح ضعیف موجب هدر رفتن مال و وقت و تلاش‌های انجام شده می‌شود و همچنین جان ساکنین را به خطر می‌اندازد.

۳-۶. امنیت و ایمنی داخلی ساختمان

قرآن کریم در خصوص امنیت ساختمان می‌فرماید: (وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ) (حجر/۸۲) و همچنین می‌فرماید: (وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا) (بقره/۱۲۵) امن در ساختمان با دلگرمی و خاطر جمعی ساکنین و عدم بیم و ترس آنها محقق می‌شود. مبتنی بر مفاهیم ارائه شده در این آیات، تأمین ایمنی ساختمان در برابر سوانح طبیعی مانند: سیل، زلزله و آتش سوزی و تأمین امنیت فردی ساکنین و بهره‌برداران ساختمان ضروری است. اقداماتی که ایمنی ساختمان و امنیت بهره‌برداران را تأمین می‌کند باید در طراحی ساختمانها لحاظ شود؛ ایجاد مسیرها و دسترس‌های خروج و فضاهای پناه در هنگام حریق و زلزله الزامی است.

۳-۷. مسکن سازگار با محیط زیست^۱

مسکن سازگار با محیط زیست، نوعی مسکن است که در فرآیند ساخت، استفاده و نگهداری آن، تأثیرات مخرب بر محیط زیست به حداقل رسانده شده است. بر اساس قرآن

1. Eco-house.

کریم، خداوند ساخت خانه های سازگار با محیط زندگی توسط اقوام گذشته، نعمتی بر آنان تلقی نموده است. در این خصوص به خانه سازی قوم ثمود در دل کوه ها می توان اشاره کرد. آنجا که خداوند می فرماید: «وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (اعراف/۷۴) بر اساس روایات تاریخی، آنها محل زندگی خود را در تابستان و زمستان تغییر می دادند. در فصل بهار و تابستان در دشتهای وسیع و پربرکت به زراعت و دامداری می پرداختند و به همین جهت خانه های مرقه و زیبایی در دشت داشتند و به هنگام فرارسیدن فصل سرما و تمام شدن برداشت محصول به خانه های مستحکمی که در دل صخره ها تراشیده بودند و در مناطق امن و امانی قرار داشت و از گزند طوفان و سیلاب و حوادث برکنار بود آسوده خاطر زندگی می کردند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۹، ص ۱۵۸) در فقه اسلامی، قاعده فقهی با قاعده «لزوم إخراج العاقل من حيز العطلة» (مبلغی، ۱۴۳۳: ص ۶۰) وجود دارد به معنای لزوم استفاده از شیء بی مصرف و می توان آن را یکی از مقاصد شریعت دانست و برخی از فقها آن را وجهی برای تشریع مفهوم «احیای اراضی» دانسته اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۲، ص ۳۸۹). بی استفاده گذاشتن مال، تضییع آن و حرام است (علامه حلی، ۱۳۸۸ق: ص ۴۰۰). حرمت تضییع مال برگرفته از حدیث نبوی منقول در کتب حدیث فریقین است که پیامبر از تضییع و تباه کردن دارایی ها جلوگیری و منع کرده اند (نَهَى النَّبِيُّ عَنْ إِضَاعَةِ الْمَالِ، بخاری، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۲۳ و کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۳۰۱). همین طور می توان لزوم ساخت سازه های مولد انرژی خورشیدی در ساختمان ها و ساخت نیروگاه های تولید انرژی های پاک و تجدیدپذیر^۱ و بازگشت پذیر را از این قاعده استفاده کرد. انرژی هایی مانند: انرژی برق آبی، انرژی بادی، انرژی خورشیدی، انرژی زمین گرمایی، انرژی دریایی شامل انرژی امواج، انرژی جزر و مد، انرژی جنبشی جریان اقیانوسی، انرژی اختلاف چگالی (شوری آب دریا) و نیروگاه های بادی دریایی. اینها مواردی هستند که در طبیعت و زیست بوم کره زمین به وفور یافت می شود اما در بسیاری

1. Renewable energy

از اوقات بلا استفاده می‌ماند، لزوم استفاده از این انرژی‌های بازگشت پذیر مبتنی بر قاعده «لزوم إخراج العاقل من حیّز العطلّة» قابل طرح و پژوهش است.

۸-۳. بلند مرتبه سازی^۱ انبوه

بلندمرتبه سازی پدیده‌ای است که کم و بیش، در طول تاریخ معماری، به آن پرداخته شده است. کهن‌ترین ساختمان بلند در دوران باستان را اهرام مصر میدانند. با وجود این پیشینه تاریخی، نخستین بناهایی که در اواخر نیمه دوم قرن نوزدهم به ساختمان‌های بلند شهرت یافتند، متعلق به شهر شیکاگو در آمریکا هستند. به دنبال پیشرفت فناوری و در پاسخ به مسائلی همچون کمبود زمین و عدم امکان گسترش افقی بنا در مناطق مورد تقاضا و بهینه شدن مصرف انرژی ساختمان، رویکرد بلند مرتبه سازی قوت گرفت. اما با بررسی رابطه بین بلندمرتبه سازی با میزان و نوع جرایم شهری، روشن می‌شود که بلندمرتبه سازی خسارات جبران ناپذیری به دنبال دارد (زنگنه شهرکی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶۱-۷۴).

از جدیدترین نظریه‌های جرم شناسی، نظریه تاثیر طراحی محیطی بر جرم و جنایت است، که در پرتو این نظریه می‌توان رابطه بین بلندمرتبه سازی با وقوع جرایم شهری را تبیین کرد. نظریه طراحی محیطی بر نقش بارز الگوی مسکن، ساخت خانه‌ها و ساختمان‌ها، طراحی محیط ساخته شده و ساختار کالبدی و فیزیکی فضاهای شهری بر وقوع جرم تأکید می‌کند؛ از اینرو در این نظریه، تلاش بر کاهش جرایم از طریق طراحی محیطی است. یکی از این رویکردها، رویکرد (CPTED)^۲ یا پیشگیری از جرایم با استفاده از طراحی محیطی است. این رویکرد را می‌توان نوعی رویکرد هدفمند برای طراحی کارآمد و هوشمندانه مؤلفه‌های محیطی با به کارگیری بهینه محیط ساخته شده در کاهش جرایم دانست که در افزایش میزان رضایتمندی شهروندی و در نتیجه، رفاه اجتماعی جامعه تأثیر بسزایی دارد (Cozens, 2001: p136-164). با طراحی محیطی می‌توان از بروز جنایت در شهرها جلوگیری کرد؛ چرا که فرصت‌های جرم می‌تواند با شیوه‌های

1. High-rise building

2. Crime prevention through environmental design.

برنامه‌ریزی شهری و معماری کاهش یابد (Schneider, 1996: P 196). رویکردهای جدید طراحی محیطی بر این نکته تأکید دارند که با توجه به ساختار کالبدی فضاهای شهری و تدوین و انجام دستورها و مقررات ویژه آنها، می‌توان به میزان گسترده‌ای از ارتکاب جرایم شهری جلوگیری کرد (Wilson, 1989: P 19).

طبق مطالعات انجام شده بر روی شهر تهران (زنگنه شهرکی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶۹-۷۱)؛ بیشترین میزان جرایم صورت گرفته در شهر تهران به ترتیب در مناطق مرکزی، شمالی، جنوبی، شرقی و غربی این شهر هستند و بیشترین تعداد ساختمان‌های بلندمرتبه و آپارتمان‌ها و بالاترین تراکم‌های ساختمانی نیز به ترتیب در مناطق مرکزی، شمالی، جنوبی، شرقی و غربی این شهر استقرار یافته‌اند.

همچنین هر چه از مرکز شهر به اطراف حرکت کنیم، از تعداد جرایم شهری کاسته شده و تا اندازه‌ای میزان امنیت بیشتر می‌شود، در مورد بلندمرتبه‌سازی همچنین هر چه از مرکز شهر به سمت پیرامون حرکت کنیم از تراکم برج‌ها و بلندمرتبه‌ها کاسته می‌شود. نتایج به دست آمده درستی این مطلب را تأیید می‌کند که تغییر سبک زندگی و تغییر نوع ساختمان‌ها و مسکن، یعنی تبدیل خانه‌های تک‌واحدی سنتی به زندگی در آپارتمان‌ها و برج‌های بلندمرتبه، بر تعداد و نوع جرایم شهری تأثیر داشته است.

در زندگی آپارتمان‌نشینی، ساختار خانه‌ها به گونه‌ای است که نظارت جمعی و عمومی بر محله‌ها وجود ندارد و ساختار محله محوری گذشته از میان رفته است. در ساختار جدید برخلاف شهرسازی سنتی، بیگانگی به وجود آمده، حس نظارت و مراقبت را کاهش داده است. حقیقت این است که ساختار الگو در شهرسازی سنتی منطبق بر فرهنگ اسلامی دارای اصول جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی است. شهرسازی سنتی بر پایه‌ی تجارب و توانمندی فرهنگی-اجتماعی از انسجام و یکپارچگی فضایی در فراهم‌سازی نظارت‌های عمومی بهره می‌برده است. چند اصل اساسی معماری و شهرسازی سنتی در جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی عبارت‌اند از: ۱. ایجاد اندرونی و بیرونی در منازل و شیوه‌ی به کارگیری اتاق‌ها در ایجاد نظارت و کنترل

بیشتر؛ ۲. ایجاد سلسله مراتب دسترسی در مناطق مسکونی و کاهش دسترسی آسان به منزل؛ ۳. ایجاد خانه‌ها با حیاط مرکزی و کنترل و نظارت بر شیوهی دسترسی به اتاق‌های مسکونی؛ ۴. افزایش ارتباطات محلی با همسایگی و مشارکت‌های محله‌ای (Rosatmi Tabrizi, and Madanipor, 2006: P 936).

از مجموعه روایات و منابع اسلامی استفاده می‌شود که الگوی مطلوب مسکن سازی در شهر اسلامی جهت افقی دارد نه عمودی، بدین معنا که ساختمان‌ها باید به نحوی ساخته شوند که افق آسمان از دید ساکنان شهر پوشیده نگردد و ارتباط ساکنان شهر با آیات الهی آسمان و زمین قطع نشود. چند مجموعه از روایات بر این مطلب دلالت دارد: ۱. روایاتی که در آنها نهی از ارتفاع زیاد ساختمان‌ها شده است^۱ که فقهای امامیه بر طبق این احادیث بر کراهت ساخت بناء بیش از ۸ ذراع (حدود ۴ متر) فتوا داده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۵، ص ۴۹۰). ۲. روایاتی که بر مبعوضیت شرعی ساختن مناره‌های بلند برای مساجد دلالت دارند.^۲

۳. مجموعه‌ای مرکب از دو دسته روایات است: دسته اول: روایاتی است که بر تعدادی از سنن و مستحباتی دلالت دارد که با ساختمان‌های بلند سازگاری ندارد بلکه ساختمان‌های بلند موجب تعطیل کامل آنها می‌شود. نظیر: آیات و روایاتی که بر تأمل و تدبّر در آیات آسمانی و زمینی خداوند تاکید دارند^۳، استحباب نگاه کردن به آیات الهی آسمان قبل از نافلة شب (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۳۳۴)، دسته دوم: نهی از تعطیل و ترک کلی سنت

۱. روایاتی مانند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَلَّ مَلَكًا بِالْبَنَاءِ يَقُولُ لِمَنْ رَفَعَ سَقْفًا فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ أَتَيْنَ تُرِيدُ يَا فَاسِقُ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۵۲۸) و «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِذَا بَنَى الرَّجُلُ فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ نُوْدِيَ يَا أَفْسَقَ الْفَاسِقِينَ أَتَيْنَ تُرِيدُ» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۶۰۸)

۲. نظیر موثوقه سکونی از امام صادق: «أَنَّ عَلِيًّا مَرَّ عَلَى مَنَارَةٍ طَوِيلَةٍ فَأَمَرَ بِهَدْمِهَا ثُمَّ قَالَ لَا تُرْفَعُ الْمَنَارَةُ إِلَّا مَعَ سَطْحِ الْمَسْجِدِ.» (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۲۵۶)

۳. آیاتی مانند: (قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) یونس/ ۱۰۱ و (أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ) ق/ ۶.

رسول الله است. بر طبق این روایات اسلامی، فرد و جامعه اسلامی حق ندارند به گونه‌ای رفتار کنند که موجب تعطیلی و ترک مطلق سنت پیامبر شوند و از نتایج این حکم این است که بسیاری از افعال که در فقه خرد و فقه فردی اعمال مستحب هستند و ترک آن مجاز است؛ در فقه کلان، ترک آن توسط همه جامعه غیر مجاز خواهد بود؛ چون تعطیلی کامل سنت پیامبر جائز نیست. روایاتی نظیر: «ثَلَاثُ مَوْبِقَاتٍ نَكْتُ الصَّفَقَةَ وَ تَرَكُ السُّنَّةَ وَ فَرَأَقُ الْجَمَاعَةِ» (برقی، ۱۳۷۱ق: ج ۱، ص ۹۴).

۴. روایاتی که درباره علائم و نشانه‌های منفی آخرالزمان است از جمله ساختمان‌های بلند را به عنوان یکی از علائم و نشانه‌های منفی این دوران معرفی می‌نماید.^۱ (اراکي، ۱۳۹۷: ص ۱۹۰)

از اینرو الگو مطلوب در مسکن سازی شهری در فقه اسلامی، مبتنی بر خط افقی در سازه‌ها است و نه خط عمودی و منع انبوه سازی ساختمان های مرتفع، از مقاصد شریعت اسلامی است.

۳-۹. مسکن خالی

بر اساس آموزه های اسلامی، احتکار و خالی نگه داشتن مسکن بسیار مذموم است؛ به ویژه امروزه که افراد بسیاری از جامعه، مشکل مسکن دارند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ دَارٌ وَ احْتِاجَ مُؤْمِنٍ اِلَى اَنْ يَسْكُنَهَا فَمَنْعَهُ اِيَّاهَا قَالَ اَللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَلَايِكَتِي عَبْدِي بَخِلَ عَبْدِي بِسُكْنِي الدُّنْيَا وَ عِزَّتِي لَا يَسْكُنُ جَنَانِي اَبَدًا: هر کس خانه‌ای داشته باشد و مؤمنی به سکونت در آن نیازمند باشد و آن را از او دریغ دارد، خداوند به فرشتگان خطاب می‌کند: ای فرشتگان من، بنده‌ام نسبت به مسکنی بر بنده دیگرم در دنیا بخل ورزید، به عزتم سوگند که هرگز در بهشت من جای نخواهد گرفت» (صدوق، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۱) همچنین در منابع اسلامی از روایاتی که از معصومین وارد شده استفاده می‌شود؛ ساختمان سازی باید برای رفع نیاز، و در حد نیاز باشد، و ساختمان

۱. تعابیر همچون: «وَشَيْدُوا الْبَنَانُ»؛ (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۱۱۳۳) و «حَتَّى يَتَطَاوَلَ النَّاسُ فِي الْبَنَانِ»؛ (بخاری، ۱۴۱۰: ج ۱۱، ص ۳۰).

سازی بیش از حد نیاز مورد نهی و منع قرار گرفته است. احادیثی مانند: «فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَ لَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۴۸) و «كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: هر ساختمانی که بیش از مقدار مورد نیاز باشد، روز قیامت باری سنگین بر دوش صاحبش خواهد بود» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۵۳۱) و «وَمَنْ بَنَى بَيْتًا رِيَاءً وَ سَمِعَهُ حُمْلُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى سَبْعِ أَرْضِينَ ثُمَّ يَطْوِقُهُ نَارًا تَوْقَدُ فِي عُنُقِهِ ثُمَّ يُرْمَى بِهِ فِي النَّارِ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ يَبْنِي رِيَاءً وَ سَمِعَهُ قَالَ يَبْنِي فَضْلًا عَلَى مَا يَكْفِيهِ أَوْ يَبْنِي مَبَاهَةً: آن کس که ساختمانی را برای خودنمایی و شهرت بسازد روز قیامت باید بار آن ساختمان را تا هفت لایه زمین بر دوش بکشد سپس آن را به طوق آتشی برافروخته تبدیل می‌کند و به گردنش می‌آویزند، سپس او را به درون آتش می‌افکنند. گفتیم: یا رسول الله، چگونه ساختمانی را برای خودنمایی و شهرت می‌سازد؟ فرمود: بیش از حد نیاز خود می‌سازد، یا برای فخر فروشی به دیگران می‌سازد» (صدوق، ۱۴۰۶: ص ۲۸۱). در این حدیث، ساخت ساختمان بیش از حد نیاز در نظر شارع نوعی خودنمایی و گردن افرازی نسبت به سایر مردم به شمار می‌آید و ممنوع است.

می‌توان از این احادیث، منع از ساختمان افزایش بیش از حد نیاز و منع از تجاری سازی (ساختمان سازی به انگیزه سودآوری محض و ایجاد تقاضاهای کاذب در بازار مسکن) را برداشت کرد. همچنین بر اساس این روایات، ساخت ساختمان‌های اداری بیش از حد نیاز کارگزاران و مراجعین و احداث سازه‌های عریض و طویل و اشغال زمینهای فراخ و پهناور از سوی ادارات دولتی، احتکار خانه مسکونی و بنگاه داری بانک ها، همگی اقداماتی نامشروع است.

۴. نتیجه گیری

مسکن، یکی از نیازهای اساسی انسان است و تأمین آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قانونگذاری ساخت مسکن، یکی از راه‌های تأمین مسکن مناسب و عادلانه برای همه افراد جامعه است. مقاصد و مذاق شریعت اسلامی، اصولی هستند که بر اساس آنها، احکام شرعی تعیین می‌شوند. قانونگذاری مبتنی بر مقاصد و مذاق شریعت اسلامی، می‌تواند به

تأمین این هدف کمک کند. این قانونگذاری، باید مبتنی بر اصول زیر باشد: اصل ضرورت ساخت مسکن، اصل توازن و عدالت در طراحی، برنامه‌ریزی و ریخت شهری، اصل نظارت و مدیریت عملیات مسکن‌سازی، اصل استحکام و مقاوم‌سازی مسکن، اصل امنیت و ایمنی داخلی ساختمان، اصل مسکن‌سازی سازگار با محیط زیست. این اصول می‌توانند به تأمین مسکن مناسب و عادلانه برای همه افراد جامعه کمک کنند.

در مجموع، می‌توان گفت که این پژوهش، با بررسی‌های انجام شده، نشان می‌دهد که مقاصد و مذاق شریعت اسلامی، نقش مهمی در قانونگذاری ساخت مسکن ایفا می‌کنند. این مقاصد می‌توانند به تأمین مسکن مناسب و عادلانه برای همه افراد جامعه کمک کنند. بر اساس یافته‌های این پژوهش شهرسازی اسلامی مشتمل بر مبانی نظری و تئوریهای مربوط به اصول و ارزشهایی (به انضمام روش طراحی و برنامه‌ریزی و اجرایی متکی بر آنها) است که باید بر محیط زندگی مسلمین و بر روابط انسان با محیط طبیعی و مصنوع و با سایر هموعان خویش (جامعه) حاکم باشند. همچنین مذاق شریعت، یک اصطیاد عرفی از مجموع ادله نقلی در یک موضوع خاص است، یعنی استظهاری از ادله که شاید در تک‌تک دلیل‌های نقلی، بیان نشده باشد، اما اگر مجموع ادله، به صورت مجموع مورد مذاقه و مشاهده قرار گیرد، عرف خاص و عام به چنین ظهوری اقرار و اعتراف خواهد کرد و مقاصد شریعت عبارت از اهداف، غایات، حکمتها و اسراری است که در جعل احکام گنجانده شده است. همچنین برخی از مقاصد شریعت در ساخت و ساز مسکن عبارتند از: ۱. حفظ زندگی و امنیت ۲. استفاده از طرح‌ها و مواد ساختمانی مشروع. ۳. حفظ منابع طبیعی و محیط زیست. ۴. احترام به حریم شخصی. ۵. توسعه پایدار و احترام به حقوق نسل‌های آینده. حکم اولیه و ابتدایی بنا و ساخت و ساز اباحه است که در فقه شیعه مبتنی بر قاعده سلطنت (سلطنت مالک بر ملک خویش) است که از قواعد مشهور فقهی است و مفاد آن جواز و صحت هر نوع تصرف مالک در مال خود- به فروختن، بخشیدن، ساخت و ساز و تخریب- است. این اصل در پاره‌ای موارد به سبب وجود موانعی، یا کاربرد ندارد و یا کاربرد آن محدود است.

همچنین بر اساس یافته های این پژوهش ساخت و داشت مسکن شخصی به ضرورت حفظ نفس، حفظ مال و حفظ خانواده و حفظ آبرو است که از مقاصد شریعت اسلامی هستند و حق مسکن و داشتن سرپناه برای آحاد جامعه اسلامی، حقی اساسی است که در اصل ۳۱ و ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با صراحت به آن اشاره شده است و حکومت اسلامی موظف است بر اساس آموزه های اسلامی و اصول حکمرانی اسلامی، این نیاز اساسی مردم را، تأمین نماید. بر این اساس، داشتن سرپناه و ممنوعیت سلب مسکن از افراد، امری مورد تأکید مؤکد شارع مقدس اسلامی است و حکومت اسلامی، موظف است با ارائه راهکاری تقنینی، جلوی این امر خلاف آشکار با شرع مقدس را بگیرد و قانون بانکداری را اصلاح نماید به این شکل که بانک ها از مصادره و فروش خانه های مسکونی وام گیرندگان منع شده و خانه های مسکونی مصادره شده به مالکان ایشان بازگردد. بر اساس تعالیم اسلامی، طراحی و ریخت شهری را، شخص اول حکومت اسلامی یعنی پیامبر گرامی اسلام به دلیل اهمیت و اولویت آن، شخصا عهده دار شده اند بنابراین طرح های جامع شهری، باید مبتنی بر اصل توزان و عدالت و دیگر اصول اسلامی، طراحی شوند. همچنین در سیره رسول اکرم در ماجرای ساخت مسجد النبی، می توان نکات مهم و مفیدی در رابطه با مدیریت و نظارت بر پروژه های عمرانی برداشت کرد. انتخاب زمین، آماده سازی مکان که امروزه در دانش طراحی شهری به آن «مکان سازی» گفته می شود، تهیه مواد و مصالح ساختمانی و برنامه زمانبندی شده برای جلوگیری از اتلاف وقت؛ از نکاتی است که باید در شیوه عملکرد و سیره رسول خدا در این پروژه عمرانی به آنها توجه داشت. همچنین الگو مطلوب در مسکن سازی شهری در فقه اسلامی، مبتنی بر خط افقی در سازه ها است و نه خط عمودی و منع انبوه سازی ساختمان های مرتفع، از مقاصد شریعت اسلامی است.

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغة

۱. ابن حجر العسقلانی (۱۳۱۴). *الإصابة في تمييز الصحابة*. المحقق: عادل أحمد عبد الموجود - على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية.
۲. ابن رجب حنبلي، عبد الرحمن بن أحمد (۱۴۲۲ق). *فتح الباری فی شرح صحيح البخاری*. چاپ دوم، دمام - عربستان سعودی: دار ابن الجوزی.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد (۱۴۲۰). *التحرير والتنوير*. بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
۴. ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد (۱۴۲۵). *مقاصد الشريعة الإسلامية*. قطر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر.
۵. ابن فرحون، إبراهيم بن علي بن محمد (۱۴۰۶). *تبصرة الأحكام في أصول الأفضية ومناهج الأحكام*. مكتبة الكليات الأزهرية.
۶. ابن هشام (۱۴۲۴). *السيره النبوية*، تحقيق جمال ثابت، محمد محمود سيد ابراهيم، قاهره: دارالحديث.
۷. احمد سعد (۲۰۰۶). *ضوابط بناء المساكن في الفقه الاسلامي*، در مجله «موتة للبحوث والدراسات» جلد ۱۹، شماره ۶.
۸. اراكي، محسن (۱۳۹۷ش). *فقه عمران شهري*. قم: مجمع الفكر الاسلامي.
۹. اصفهاني، محمد حسين بن عبدالرحيم (۱۴۰۴). *الفصول الغروية في الاصول الفقهية*. قم: دار احياء العلوم الاسلاميه.
۱۰. آمدی، علی بن محمد (۱۴۰۴). *الإحكام في أصول الأحكام*. تحقيق: د. سيد الجميلي، بيروت: دار الكتاب العربي.

۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰). صحیح البخاری. چاپ دوم، قاهره: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب السنة.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ث). المحاسن. چاپ دوم، قم: دار الكتب الإسلامية.
۱۳. بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۰۲). كشف القناع عن متن الاقتناع. بیروت: دار الفكر.
۱۴. بیهقی، أبو بكر أحمد (۱۴۲۳). شعب الإيمان. ریاض: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع.
۱۵. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹). الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی. قاهره: دار الحديث.
۱۶. جمال الدين عطية (۱۴۲۴). نحو تفعيل مقاصد الشريعة. دمشق: دار الفكر.
۱۷. جمعی از نویسندگان (۱۴۰۶). الموسوعة الفقهية. كويت: وزارت اوقاف كويت.
۱۸. جندی، خليل بن اسحاق (۱۴۱۶). مختصر خليل. بیروت: دار الكتب العلمية.
۱۹. حکیم، محمد تقی بن محمد سعید (۱۴۱۸). الأصول العامة في الفقه المقارن. قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).
۲۰. خلاف، عبد الوهاب (۱۴۲۳). علم اصول الفقه. قاهره: دار الحديث.
۲۱. خمینی، روح الله (بی تا). تحرير الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۲۲. راوندی، قطب الدين (۱۴۰۹). الخرائج و الجرائح. قم: مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالی فرجه.
۲۳. ریسونی، أحمد (۱۴۱۶). نظرية المقاصد عند الإمام الشاطبي. المعهد العالمي للفكر الإسلامي.
۲۴. زرقاء، مصطفى أحمد (۱۴۰۹). شرح القواعد الفقهية. چاپ دوم، دمشق: دار القلم.
۲۵. زركشي، بدر الدين (۱۴۲۱). البحر المحيط في أصول الفقه. بیروت: دار الكتب العلمية.
۲۶. زركشي، بدر الدين (۱۳۸۵ق). إعلام الساجد بأحكام المساجد. قاهره: المجلس الاعلى للشئون الاسلامیة.

۲۷. زنگنه شهرکی، سعید و همکاران (۱۳۹۰). تأثیر بلند مرتبه سازی بر میزان جرایم شهری (مطالعه موردی: مناطق بیست دو دوگانه تهران)، پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی، شماره ۷۷.
۲۸. سبزواری، سید عبد الاعلی (۱۴۱۳). مهذب الأحكام. چاپ چهارم، قم: مؤسسه المنار.
۲۹. سبکی، علی بن عبد الکافی (۱۴۰۴). الایهاج فی شرح المنهاج. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۰. سیتی، فاطمه بنت صالح (۲۱۰۵). ضوابط البناء فی الفقه الاسلامی، اداره و بحوث/الفتاوی، جلد ۵.
۳۱. سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر (۱۴۱۱). الاشباه و النظائر. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۲. شاطبی، إبراهیم بن موسی (۱۴۱۷). الموافقات. قاره: دار ابن عفان.
۳۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۳۴. صدر، سید محمد باقر (۱۴۳۰). دروس فی علم الاصول. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۳۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۶). الخصال. چاپ پنجم، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمیه بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۳۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). کتاب من لا یحضره الفقیه. چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۳۸. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۹. طبرانی، ابو القاسم سلیمان (۱۴۱۵). المعجم الاوسط. قاهره: دار الحرمین.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.

٤١. طه، حسنى خيرى (٢٠١٧). مقاصد الشريعة و تفعيلها في فقه العمارة. قاهره: دار الكلمة للنشر و التوزيع.
٤٢. طوسى، محمد بن حسن (١٤٠٧هـ). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٤٣. طوسى، محمد بن الحسن (١٤٠٧هـ). تهذيب الأحكام. چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامية.
٤٤. عاملی، حرّ محمد بن حسن (١٤٠٩). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
٤٥. عاملی، سيد جعفر مرتضى (١٤٣٠). تخطيط المدن فى الاسلام، لبنان: المركز الاسلامى للدراسات.
٤٦. عبد الستار محمد (١٤١٩). عمارة المساجد فى ضوء الاحكام الفقهية دراسة تطبيقية اثرية، رياض: ندوة عمارة المساجد، كلية العمارة والتخطيط.
٤٧. عز الدين صديق (٢٠٠٠). هندسة المباني فى القرآن والسنة، الوعي الإسلامى، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، شماره ٤٠٩.
٤٨. عزب، خالد (١٤٢٨). تخطيط و عمارة المدن الإسلامية. سلسلة كتاب الأمة، شماره ٥٨، مركز البحوث والمعلومات.
٤٩. عزب، خالد (٢٠١٣). فقه العمران : العمارة و المجتمع و الدولة فى الحضارة الإسلامية، قاهره: دار المصرية اللبنانية.
٥٠. علامه حلى، حسن بن يوسف (١٣٨٨ق). تذكرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
٥١. على دوست، ابوالقاسم (١٣٨٨ش). فقه و مصاحف. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى.
٥٢. غزالى، أبو حامد محمد بن محمد (١٤١٣). المستصطفى فى علم الأصول. بيروت: دار الكتب العلمية.

۵۳. غزالی، أبو حامد محمد بن محمد (۱۳۹۰ق). شفاء الغلیل فی بیان الشبه والمخیل ومسالك التعلیل. بغداد: مطبعة الإرشاد.
۵۴. فاسی، علّال (۱۹۹۳). مقاصد الشریعة الاسلامیة و مكارمها. بیروت: دار الغرب السامی.
۵۵. فخر رازی محمد بن عمر (۱۴۱۸). المحصول فی علم الاصول. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۵۷. کتانی، محمد عبد الحی (۲۰۱۴). نظام الحكومة النبویة المسمى التراتیب الإدارية. بیروت: دار الكتب العلمية.
۵۸. لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش) عیون الحكم و المواعظ. قم.
۵۹. مبلغی، احمد (۱۴۳۳). القواعد الفقهیة لفقه العمران، أعمال ندوة تطور العلوم الفقهیة، الفقه الحضاری، الفقه العمران، عمان: وزارة الاوقاف و الشئون الدینیة.
۶۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت.
۶۱. مرکز اطلاعات و منابع اسلامی (۱۳۸۹ش). فرهنگ نامه اصول فقه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶۲. مظفر، محمد رضا (۱۴۳۰). اصول الفقه. قم: موسسه نشر اسلامی.
۶۳. مناوی، عبد الرؤف (۱۳۵۶ق). فیض التقدير شرح جامع الصغیر. مصر: المكتبة التجارية الكبرى.
۶۴. منصور بن عبد العزیز الجدید (۱۴۱۹). المسجد فی الإسلام، حدوده و تاریخه: أبرز الضوابط المتعلقة بعماره، ندوة عمارة المساجد، کلیة العمارة و التخطيط، الرياض.
۶۵. الميساوى، محمد الطاهر (بی تا). مقدمه مقاصد الشریعه. بی جا.
۶۶. نجار، عبد المجید (۲۰۰۸). مقاصد الشریعة بأبعاد جدیدة. چاپ دوم، بیروت: دار الغرب الاسلامی.

۶۷. نقی زاده، محمد (۱۳۹۰). شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبه: بایسته‌های تحقق شهر اسلامی بر مبنای نصوص دینی، تهران: انتشارات سازمان فرهنگی هنری شهرداری، موسسه نشر شهر.

۶۸. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹). *العروة الوثقی*. چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

69. Cozens, P., Hiller, D., Prescott, G. (2001). Crime and the Design Residential Property– Exploring the Theoretical Background, *Journal of Property Management*, Vol. 19, Issue 2.
70. Rosatmi Tabrizi, L. and Madanipor, A. (2006). Crime and the City, Domestic Burglary and the Built Environment in Tehran, *Habitat International*, No. 30, pp. 933-944.
71. Schneider, S. & Percy, P. (1996). The Theory and Practice of Crime Prevention Through Environmental Design, A Literatur Statistic and Information Center of Tehran, 2008, *Number of Buildings Floor and their Height in Tehran, 22 Zones*.
72. Wilson, J.Q., Knelling, G.L. (1989). *Making Neighborhoods Safe*, the Atlantic Monthly. 1989.